

شکاف دیجیتالی چیست؟

تهیه شده: متمم

اهداف و انتظارات آموزشی در این درس

انتظار می‌رود پس از مطالعه‌ی درس شکاف دیجیتالی

- بتوانند شکاف دیجیتالی را تعریف کنند.
- بتوانند برخی از ریشه‌ها و علل شکل‌گیری شکاف دیجیتالی را فهرست کنند.
- بتوانند به صورت بسیار مختصر، تبعات شکاف دیجیتالی را توضیح دهند.
- بتوانند چهار نوع دسترسی به تکنولوژی را بر اساس الگوی ون دایک فهرست کنند و مصداق‌های آن را در زندگی خود و اطرافیان‌شان تشخیص دهند.
- به خاطر بسپارند که شکاف دیجیتالی صرفاً یک مسئله‌ی کلان در حد سیاستگذاری دولت‌ها نیست و هر یک از ما هم می‌توانیم در قبال آن،

اقدام‌هایی را انجام داده و فعالیت‌هایی را سامان دهیم .



بسیاری از ما اصطلاح شکاف دیجیتال یا شکاف دیجیتالی به انگلیسی : Digital Divide را صرفاً در خبرها از زبان سیاستمداران و سیاستگذاران می‌شنویم. اصطلاح شکاف دیجیتال هم‌چنین اصطلاحی رایج در گزارش‌های کلان حوزه‌ی فناوری اطلاعات است.

همه‌ی این‌ها باعث می‌شود که کمتر به تعریف شکاف دیجیتالی و مصادق‌های آن فکر کنیم یا اصلاً ببینیم که نقش و جایگاه ما در برابر این پدیده چیست و کجاست.

در این بخش به مفهوم شکاف دیجیتالی و بحث‌های مرتبط با آن – به شرح زیر – می‌پردازیم:

- تعریف شکاف دیجیتالی چیست؟
- شکاف دیجیتالی چگونه شکل می گیرد؟
- تبعات شکاف دیجیتالی چیست؟
- منظور از شکاف دیجیتالی سطح اول و سطح دوم چیست؟
- تعریف دسترسی دیجیتال (چهار سطح دسترسی ون دایک)

تعریف شکاف دیجیتالی چیست؟

نخستین سال‌هایی که اصطلاح شکاف دیجیتالی مطرح شد (دهه‌ی نود میلادی)، معمولاً چنین تعریفی از آن ارائه می‌شد: (+/+)

شکاف دیجیتالی به نابرابری‌های اقتصادی، آموزشی و اجتماعی بین دو گروه افراد دارای دسترسی به کامپیوتر و اینترنت و افراد محروم از کامپیوتر و اینترنت اشاره دارد.

شکاف دیجیتالی به فاصله‌ی رو به رشد میان افراد روستایی، ضعیف، مسن و محروم - با دسترسی اندک به کامپیوتر و اینترنت - و طبقه‌ی ثروتمند و متوسط جوان ساکن شهرها و حومه‌های آنها اشاره دارد. این شکاف می‌تواند مانعی برای دسترسی به منابع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باشد.

وقتی شکاف دیجیتالی بر مبنای دسترسی یا عدم دسترسی به کامپیوتر و اینترنت تعریف شود، این نتیجه هم حاصل خواهد شد که: «برای کاهش شکاف دیجیتالی، باید ضریب نفوذ اینترنت را افزایش داد».

طی سه دهه‌ی اخیر، گزارش‌های بسیاری با موضوع شکاف دیجیتالی و با محوریت ضریب نفوذ اینترنت تنظیم و منتشر شده‌اند. البته گاهی اوقات، این نکته مطرح شده که:

باید ضریب نفوذ اینترنت پرسرعت را در نظر بگیریم و دسترسی با سرعت پایین (که معمولاً برای استفاده از سرویس‌های صوتی و تصویری مناسب نیست) را نمی‌توان مصداق اتصال به اینترنت در نظر گرفت.

اما همه‌ی این تعریف‌ها یک ویژگی مشترک دارند: «آنها شکاف دیجیتالی را به عنوان شکاف در دسترسی به اینترنت و زیرساخت‌های ارتباط دیجیتالی در نظر می‌گیرند».

تعریف‌های قدیمی تر شکاف دیجیتالی،
اغلب بر روی دسترسی یا عدم دسترسی به کامپیوتر
و ضریب نفوذ اینترنت متمرکز بودند.



امروز در بسیاری از نقاط جهان - از جمله کشور خودمان - ضریب نفوذ اینترنت به سطح قابل قبولی رسیده و دیگر تفکیک مناطق به شهری و روستایی، یا شهر و حومه‌ی شهر و مانند این‌ها، مانند دهه‌های قبل معنا ندارد.

حتی بسیاری از خانواده‌هایی که از نظر مالی ضعیف هستند، همچنان هزینه‌های استفاده از اینترنت را در سبد مصرفی خود در نظر گرفته و حفظ می‌کنند.

بنابراین به نظر می‌رسد که **شکاف دیجیتال** باید تعریف جامع‌تری پیدا کند. تعریفی که [OECD](#) ارائه کرده از این منظر کمی بهتر است: (+)

اصطلاح شکاف دیجیتالی (Digital Divide) به شکاف میان افراد، خانوارها، کسب و کارها و نواحی جغرافیایی در سطوح مختلف اقتصادی-اجتماعی در دو محور زیر اشاره دارد:

- فرصت دسترسی به تکنولوژی‌های ارتباطات و اطلاعات (ICT)
- استفاده از اینترنت برای کاربردهای مختلف و متنوع

محور اول، همان چیزی است که بیشتر به سیاست‌گذاری‌های کلان دولتمردان و شرکت‌های عرضه، توزیع و مدیریت ترافیک اینترنت بازمی‌گردد. اما دومین محور، به شیوه‌ی استفاده‌ی تک تک ما انسان‌ها از اینترنت و ابزارهای ارتباطی اشاره دارد.

از این جا به بعد، پای نظریه‌پردازان و تحلیل‌گران مختلف به بحث باز می‌شود. کافی است عبارت **Digital Divide** را در گوگل سرچ کنید تا انواع مقاله‌ها و کتاب‌ها را در این زمینه ببینید.

اما یکی از نویسندگانی که در اکثر منابع مورد اشاره و استناد قرار گرفته ون [دایک \(Jan van Dijk\)](#) است. ون دایک علاوه بر فعالیت دانشگاهی، در نقش مشاور هم در کنار نهادهای دولتی و بین‌المللی بوده و تجربیات ارزشمندی در این زمینه دارد.

فقط کافی است به این نکته توجه کنید که تعریف و تحلیل او از شکاف دیجیتالی در سال ۱۹۹۹، یکی از تعریف‌های رایج و مسلط در [گفتمان](#) امروزی جامعه شناسی تکنولوژی است. در زمانی که دغدغه‌ی غالب در میان متفکران و تحلیل‌گران، فراهم آوردن فرصت دسترسی به اینترنت برای مردم جهان بود، او تأکید داشت که شکاف دیجیتالی را نباید فقط به بحث ضریب نفوذ اینترنت و دسترسی به امکانات فیزیکی محدود کرد و باید جنبه‌های دیگر آن را هم در نظر گرفت.

ما هم ساختار کلی محتوای این درس را بر اساس نگرش ون دایک، چیده و تنظیم کرده‌ایم.

شکاف دیجیتالی چگونه شکل می‌گیرد؟

ون دایک در کتاب‌های شکاف رو به رشد ([Deepening Divide](#)) و جامعه شبکه ای ([Network Society](#)) علت شکل‌گیری شکاف دیجیتالی را - با ادبیات تقریباً یکسان - چنین شرح می‌دهد:

علتِ مستقیمِ دسترسی نابرابر به تکنولوژی دیجیتال در جامعه، شیوهی توزیع بسیاری از منابع است.

منظورم از منابع، صرفاً منابع مادی مانند درآمد و مالکیت تجهیزات نیست. بلکه منابع دیگر – از جمله منابع زیر – نیز هست:

- زمان (فرصت برای استفاده از رسانه‌های جدید)
- منابع ذهنی (دانش فنی کافی)
- منابع اجتماعی (شبکه و ارتباطاتی که به فرد برای دسترسی به تکنولوژی کمک کنند)
- منابع فرهنگی (پاداش‌های فرهنگی و جایگاه و شأنی که هر فرهنگ، برای فردی که به تکنولوژی دسترسی دارد، قائل می‌شود)

همان‌طور که می‌بینید، توضیحات ون دایک در حدی کلی است که تقریباً هر عاملی را در بر می‌گیرد.

شاید مهم‌ترین پیام این تعریف، آن باشد که شکاف دیجیتال را هرگز نمی‌توان به صورت کامل حذف کرد؛ چنان‌که توزیع نابرابر منابع – آن هم با این تعریف گسترده – را نمی‌توان از بین برد.

بنابراین، چه مردم و چه سیاست‌گذاران صرفاً می‌توانند در راستای کمرنگ کردن شکاف دیجیتالی یا جلوگیری از گسترش شکاف دیجیتالی گام بردارند.

اما خوش‌بینانه است که انتظار داشته باشیم اصطلاح شکاف دیجیتالی روزی معنای خود را به کلی از دست بدهد.

ضمناً از این‌که جایی در این فهرست علت‌ها به دولت اشاره نشده، تعجب نکنید. دولت‌ها و دولتمردان با سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود، نقش مهمی در توزیع منابع – که عبارت کلیدی این تعریف است – ایفا می‌کنند.

تبعات شکاف دیجیتالی چیست؟

حتی بدون این‌که کسی برای ما تبعات شکاف دیجیتالی را فهرست کرده و شرح دهد، خودمان می‌توانیم به سادگی بخشی از تبعات شکاف دیجیتالی را حدس بزنیم.